

شعر متعهد در صدر اسلام

اثر: دکتر فیروز حریرچی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۱ تا ۱۲)

چکیده:

شاعران عرب اشعار خود را به هنگام ظهور اسلام به سبک شاعران جاهلی می‌سرودند تا اینکه به اسلام گرویدند. پس از بعثت پیامبر گرامی (ص)، دو دسته از شاعران پیدا شدند، قریش در مقام تحدی با پروردگار و رسول خدا بر آمد و همین امر موجب شد که مهاجرت از مکه به مدینه پیش آید تا جایی که قریش و یاوران آنها در سویی صف‌آرایی کردند و پیغمبر (ص) و کسانی که با آن حضرت (ص) به مدینه مهاجرت نموده بودند در سویی دیگر قرار گرفتند. شاعرانی از قبیر ضرابن خطاب فیهری و هُبَیْرَة بن ابی وهب مخزومی در مقابل پیغمبر (ص) و مهاجران و یاران آن حضرت صف‌آرایی نمودند و شاعرانی مانند حسان بن ثابت انصاری، عباس بن مرداس، اوس بن بجیر طائی در دفاع از اسلام و پیامبر (ص) و مسلمانها اشعار مؤثری به نظم در آوردند در این مقاله علاوه بر بررسی شعر متعهد در صدر اسلام به موضوعات برجسته شعری این دوره نیز اشاره می‌شود.

واژه‌های کلیدی: شاعران مسلمان، رثاء در صدر اسلام، هجاء در صدر

اسلام، شاعران رده و فتوح، حماسه دینی.

مقدمه:

شاعران عرب به هنگام ظهور اسلام اشعار خود را به اسلوب و سبک شاعران جاهلی می‌سرودند. بسیاری از این شاعران پیش از آنکه به اسلام گروند از دنیا رفته بودند پس شایسته است که این دسته از شاعران را جاهلی محسوب کنیم و شاعرانی هم مانند ذرید بن صمّه و امیه بن ابی صلت و اسود بن یعفر نهشلی را هم اسلامی صرف به حساب نیاوریم زیرا این دسته از شعرا هم نتوانسته بودند از تعالیم پیامبر گرامی (ص) بهره کافی ببرند.

چنانکه می‌دانیم قریش در مقام تحدی با پروردگار و رسول خدا (ص) برآمده بود و همین امر موجب شد که مهاجرت از مکه به مدینه پیش آید و آتش مبارزه و درگیری میان دو شهر مذکور شعله‌ور شود تا آنجا که قریش و یاوران آنها در سویی صف آرایی کنند و پیغمبر (ص) و کسانی که با آن حضرت (ص) به مدینه مهاجرت کرده بودند در سویی دیگر قرار بگیرند و از همین زمان است که شمشیر زبان شعرا از نیام بیرون می‌آید و شاعران هر دسته اشعار خود را عرضه می‌کنند.

متن

مکه تا آنجا که در تاریخ ادب عربی آمده به شعر و شاعری در دوره جاهلیت شهرت نداشت جز آنکه چند شعری بنا به روایت ابوالفرج اصفهانی در الاغانی به ورقه بن نوفل و نُبیه و مسافر نسبت داده شده است اما همین که جنگ سرد میان مردم مکه و پیغمبر (ص) و طرفداران آن حضرت شروع می‌شود به نام بسیاری از شاعران علیه رسول خدا (ص) از قبیل ابوسفیان بن حارث و عبدالله بن الزبَعری و ضرار بن خطاب فهری و ابوعزه جمحی و هبیره بن وهب مخزومی بر می‌خوریم. این قبیل شاعران نه تنها با اشعار خود پیامبر (ص) و مهاجران و یاران آن حضرت را در مکه مورد حمله قرار داده بودند بلکه به خاطر گرایش به کفر و زندقه میان قبایل عرب به اشاعه شرک و فساد نیز مشغول بودند به همین خاطر رسول خدا (ص)

روزی به یاران خود فرمود: قومی که رسول خدا (ص) را با سلاح خود یاری کرده‌اند چرا او را با زبان خود یاری نمی‌کنند؟ در همین جاست که حسان بن ثابت می‌گوید: «من این مهم را بر عهده می‌گیرم» (الآغانی، ج ۵، ص ۱۳۷) پیامبر (ص) می‌فرماید تو آنها را چگونه هجو می‌کنی در حالی که من از قریش می‌باشم حسان پاسخ می‌دهد: «انی أَسْأَلُكَ مِنْهُمْ كَمَا تُسَلُّ الشَّعْرَةَ مِنَ الْعَجِينِ» (من شما را از آنها جدا می‌کنم همچنانکه مو از خمیر بیرون کشیده می‌شود) (الآغانی، ج ۴، ص ۱۳۸)

پس از آنکه حسان زبان خود را در دفاع از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت (ص) و در طعن و هجو دشمنان رسول و اسلام زبان می‌گشاید کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه (آداب اللغة العربية، محمدی، ص ۳۵) هم به حسان می‌پیوندند و از همین زمان است که بازار هجو میان شاعران مدینه و مکه گرم می‌شود و اگر به سیره ابن هشام مراجعه کنید می‌بینید که ابن هشام از زبان ابن اسحق در پی هر غزوه‌ای از قبیل جنگ بدر و جنگ احد و جنگ خندق و فتح مکه در هشتم هجری اشعاری از شاعران مکه و مدینه روایت می‌کند جز اینکه باید در منقولات شعری ابن اسحق با شک و تردید نگریست زیرا بنابر قول ابن سلام ابن اسحاق بسیاری از اشعاری را که صحت انتساب آنها مورد تردید است نقل نموده است.

ابن اسلام در طبقات الشعراء شعر ذیل را به ابن زبیری که آنرا پس از واقعه بدر سروده است نسبت می‌دهد و روایت می‌کند:

لَيْتَ أَشْيَاحِي بَبَدْرٍ شَهِدُوا ضَجَرَ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسَلِ
فَقَبَلْنَا النِّصْفَ مِنْ سَادَتِهِمْ وَ عَدَلْنَا مَسِيلَ بَدْرٍ فَأَعْتَدَلْ

(طبقات الشعراء، ابن سلام، ص ۵۸)

بنابر قول ابن سلام از شاعرانی که در زمان حضرت پیغمبر (ص) با اسلام دشمنی شدید داشته‌اند ابو عزه جُمحی و هُبَيْرَةُ بن ابی وَهَبِ بوده‌اند چنانچه هُبَيْرَةُ ابن ابی وَهَبِ در روز احد می‌گوید:

قَدْ نَا كِنَانَةَ مِنْ أَكْنَافِ ذِي يَمَنِ عُرَّضَ الْبِلَادِ عَلَى مَا كَانَ يُزْجِيهَا

قَالَتْ كِنَانَةٌ: أَتَى تَذْهَبُونَ بِنَا قُلْنَا النخيل، فأموها و مافيهما

(طبقات الشعراء، ابن سلام، ص ۹۵)

(ما قبيله کنانه را با ساز و برگی که همراه آن کاروان بود از گوشه و کنار شهر ذی یمن بسوی مدینه روانه کردیم و چون از ما پرسید: ما را کجا می برید پاسخ دادیم: قصد نخیل یعنی مدینه را داریم پس آن شهر و هر چه را در آن است قصد کنید و با پیامبر (ص) به مبارزه برخیزید.)

در مقابل این دسته از شاعرانی که علیه پیامبر اسلام (ص) شعر می گفتند حسان ابن ثابت و کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه است نخستین اشعاری که بر زبان حسان در هجو قریش و تهدید ابوسفیان بن حارث جاری شد ابیات زیر می باشد.

هَجَوْتُ مُحَمَّدًا فَأَجَبْتُ عَنْهُ
فَانَّ أَبِي وَوَالِدَهُ وَ عَرْضِي
أَتَهْجُوهُ وَلَسْتُ لَهُ بِكُفٍ
وَعِنْدَ اللَّهِ فِي ذَاكَ الْجَزَاءُ
لِعَرْضِ مُحَمَّدٍ مِنْكُمْ وَقَاءُ
فَشَرُّكُمْ لِحَيْرٍ كَمَا الْفِدَاءُ

(الآغانی، ج ۴، ص ۱۳۹)

باید متذکر شد که حسان آن چنان قوی به دفاع از اسلام و رسول خدا (ص) و هجو دشمنان اسلام برخاسته که پیغمبر (ص) درباره هجای وی فرموده است: «لهذا أَشَدُّ مِنْ وَقَعِ النَّبْلِ» (آداب اللغة العربية و آدابها محمدی، ص ۵۰)

و اصولاً اشعار حسان با نام صحابه و شهدای غزوات و دشمنان و جنگهای اسلام مشحون است و در حقیقت وی را باید پایه گذار شعر تاریخی اسلام دانست (آداب اللغة العربية و تاریخ محمدی، ص ۵۰)

در الآغانی آمده است که حسان و کعب بن مالک با آوردن نام جنگها و مفاخر خود با شاعران قریش به معارضة برخاسته بودند و آنها را با ذکر روزهای شکست، هجو و سرزنش می کردند و عبدالله بن رواحه نیز در آغاز اسلام، هجو می کرد و حسان هم شاعران مخالف پیامبر (ص) را با ذکر نقطه ضعفهایشان از قبیل نسب پلید و روزهای ننگین شان هجو می نمود. (الآغانی، ج ۴، ص ۱۳۸)

بر اثر شاعران حامی پیامبر (ص) حتی بسیاری از شاعران مخالف در رده موافقان و به ساحت مقدس پیغمبر (ص) پناه بردند. همه ما داستان کعب بن زهیر و انس بن زنیم را شنیده‌ام و همین انس بن زنیم که روزگاری پیامبر را هجو کرده بود زبان به مدح رسول خدا (ص) گشود و گفت:

و ما حَمَلْتُ مِنْ نَاقِهِ فَوْقَ رَحْلِهَا أَبْرًا وَ أَوْفَى ذِمَّةً مِنْ مُحَمَّدٍ

(الاصابة، ج ۱، ص ۶۹)

«مرکب و شتری بر بالای زین خود نیکو کارتر و با وفاتر از محمد را به دوش نکشیده است.»

ابوسفیان بن حارث هم از کردار و گفتار خود پشیمان شد و در ستایش رسول خدا چنین گفت:

لَعَمْرُكَ إِنِّي يَوْمَ أَحْمِلُ رَايَةً لَتَغْلِبَ خَيْلَ اللَّاتِ خَيْلَ مُحَمَّدٍ
لَكَالْمُدِّ لِحِ الْحَيْرَانِ أَظْلَمَ لَيْلُهُ فَهَذَا أَوْانُ حِينَ أَهْدَى وَ أَهْتَدَى

(طبقات الشعراء، ص ۹۱)

«سوگند به جان تو آن روز که پرچم را بر دوش گرفته بودم تا سواران لات بر سواران حضرت محمد (ص) غلبه کند مانند شبرو سرگردانی بودم که شب تیره بر او سایه افکنده است و اکنون زمانی است که کافران را هدایت کنم و خود هدایت شوم»

مدح اعشی را در قصیده‌ای به مطلع ذیل شنیده‌ایم:

أَلَمْ تَغْتَمِضْ عَيْنَاكَ لَيْلَةَ أَرْمَدَا وَعَادَاكَ مَاعَادَ السَّلِيمِ الْمُسَهَّدَا

(دیوان اعشی، ص ۴۵)

در همین ابیات اعشی می‌گوید:

فَأَلَيْتُ لَا أَرْتِي لَهَا مِنْ كَلَالَةٍ وَ لَامِنْ حَفِيٍّ حَتَّى تَزُورَ مُحَمَّدَا
نَبِيٌّ يَرِي مَا لَا تَرُونَ وَ ذِكْرُهُ أَغَارَ لَعْمَرِي فِي الْبِلَادِ وَأَنْجَدَا

(الآغانی، ج ۹، ص ۲۵)

(سوگند خورده‌ام که برای شتران بخاطر ناتوانی و باریک شدن سمهای آنها از بسیاری رفتن دلسوزی نکنم تا حضرت محمد (ص) را دیدار کنند. او پیامبری است که می‌بیند آنچه را که نمی‌بینید و نام نیکش در همه سرزمینها از پست و بلند روان شده است).

ابوطالب قصیده‌ای در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده است که بنا بر قول ابن سلام ابیاتی بعدها به آن افزوده‌اند، مطلع آن قصیده چنین است.

وَ أبيضٌ يُشْتَقَى الغمامُ بِوَجْهِهِ رَبِيعُ الِيتامى عِصْمَةٌ لِلْأرامِلِ

(طبقات الشعراء، ص ۹۰)

(درخشنده چهره‌ای که ابر باروی او آبیاری می‌شود. او بهار یتیمان و تهیدستان است)

از شاعرانی که در این دوره حضرت پیغمبر (ص) را ستایش نموده عباس بن مرداس قهرمان بنی سلیم است او می‌گوید:

نَبِيٌّ أَنَا بَعْدَ عِيسَى بِنَاطِقٍ مِنَ الْحَقِّ فِيهِ الْفَضْلُ كَذَلِكَ
أَمِيناً عَلَى الْفُرْقَانِ أَوْلَ شَافِعٍ وَ آخِرَ مَبْعُوثٍ يُجِيبُ الْمَلائِكَا
تَلَفِي عُرَى الْإِسْلَامِ بَعْدَ انْفِصَامِهَا فَأَحْكَمَهَا حَتَّى أَقَامَ الْمَناسِكا

(الآغانی، ج ۱۴، ص ۳۰۵)

(پیامبری است که پس از عیسی (ع) برای ما گویای حق آمده است و او در حق حد فاصل است و بر قرآن امین و نخستین شفاعت کننده و آخرین فرستاده‌ای است که فرشتگان را پاسخ می‌دهد. او پیوندهای اسلام را پس از گسیخته شدنش جبران و استوار کرده است و مناسک پروردگار را بجا آورده است.)

یکی دیگر از موضوعات شعری که در صدر اسلام بر تعهد و التزام دلالت دارد مرثیه‌های بی شماری است که به مناسبت وفات پیامبر (ص) سروده شده است اگر چه تعداد این مرثیه‌ها بی شمار است ولی مرثیه‌ای که حسان آن را از سوز دل بیان کرده از بهترین مرثیه‌ها به شمار می‌رود:

ما بِالْ عَيْنِي لَا تَنَامُ كَأَنَّمَا
كُحِلَّتْ مَآقِيهَا بِكُحْلِ الْأَرْمَدِ

(تاریخ الادب العربی، دکتر شوقی ضیف، عصر اسلامی، ص ۵۲)

چنانکه می دانیم از سال نهم هجری به بعد اسلام در همه جزیره العرب گسترده شد و تقریباً جزیره العرب مهد اسلام به شمار رفت و اثری از بت پرستی و شرک به شکل چشم‌گیری باقی نماند. اما همین که ابوبکر بخلافت رسید موجی از ارتداد جزیره العرب را فراگرفت و ابوبکر پس از آنکه با بزرگان صحابه مشورت نمود سپاهی به فرماندهی خالد بن ولید ترتیب داد و به سرکوبی سران ارتداد پرداخت در همین ایام است که دوباره جدل میان شاعران متعهد به اسلام و مخالفان اسلام آغاز شد و موضوع‌های تازه‌ای در شعر سیاسی اسلام نمایان گشت و شاعران هر دسته از اشعاری در وصف شجاعتها و دلیریهای گروهها و جماعتی که از آنها حمایت می‌کردند سرودند و بر کشتگان خود در این جنگها با سرودن مرثی جانگدازی اشک ریختند. به عبارت دیگر مرثی این دوره نزد شاعران مسلمان از آنجا که از عقیده توحید و اسلامی آنها سرچشمه می‌گیرد در نوع خود کم نظیر بود، و ابداع تعبیر و موضوع در آنها به وضوح به چشم می‌خورد. مثلاً در این جنگها مالک بن نویره رئیس بنی یربوع کشته می‌شود و برادرش متمم بن نویره به سوگ می‌نشیند و در رثای مالک اشعار سوزناکی می‌سراید و یا اینکه کشته شدن سجاح و مُسَیَلَمَه کذاب تحولی چشم‌گیر در رثای شعر عربی پدید می‌آورد مثلاً حارث بن مُرّه در تایید رده و تهدید بنی عامر می‌گوید:

بنی عامرٍ إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ تُنْصَرُوا وَ إِنْ تَنْصَبُوا لِلَّهِ وَالِدِينَ تُخَذَلُوا
وَ إِنْ تُهْزَمُوا لَا يَنْجِيكُمْ مِنْهُ مَهْرَبٌ وَ إِنْ تَثْبَتُوا لِلْقَوْمِ وَاللَّهِ تُقْتَلُوا

(تاریخ الادب العربی، العصر الاسلامی، ص ۵۴)

(ای بنی عامر! اگر خدا را یاری کنید یاری کرده می‌شوید و اگر در برابر خدا و دین او قد برافراشته کنید یاری کرده نمی‌شوید و اگر شکست بخورید گریزگاهی شما را نجات ندهد و اگر در برابر این قوم و پروردگار مقاومت نمایید کشته می‌شوید)

همچنین شاعر دیگری به نام اوس بن بَجیر طایی در دفاع از اسلام در واقعه بَزاخه حماسه‌ای دینی می‌سراید و می‌گوید:

وَمَا تَخْتَلِي مِنْ أَدْرَعٍ وَرَفَابٍ وَلَيْتَ أَبَا بَكْرٍ يَرَى مِنْ سُيُوفِنَا
يَصُبُّ عَلَى الْكُفَّارِ سَوْطَ الْعَذَابِ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ لَا رَبَّ غَيْرُهُ

(تاریخ الادب العربی، العصر الاسلامی، ص ۵۴)

(ای کاش ابوبکر می‌دید که شمشیرهای ما چگونه آرنج‌ها و گردن‌ها را جدا می‌کند آیا ندیدی که پروردگاری که جز او خدایی نیست چگونه بر کافران تازیانه عذاب را ریزان می‌کند)

دیگر از موضوع‌های تازه در شعر این دوره فریاد و ناله شاعران سالخورده‌ای است که آنرا در فراق فرزندان که آنها را از روی نارضایتی به میدان جنگ فرستاده‌اند، سر داده‌اند مثلاً مُخَبَّلِ سَعْدِی هنگامی که فرزند خود شیبان را بر جنگ با ایرانیان در لشکر سعد بن ابی وقاص روانه می‌کند اشعار جانگدازی می‌سراید تا جایی که عمر به مُخَبَّلِ سَعْدِی رحمت می‌آورد و به سعد بن ابی وقاص دستور می‌دهد که شیبان را از جبهه برگرداند. همچنین بُرَیْقِ بن عیاض هُذَلِی در مفارقت خویشاوندان خود که به جنگ گسیل شده‌اند اشعار دلگدازی می‌سراید.

(تاریخ الادب العربی، العصر اسلامی، ص ۵۷)

مهمترین موضوعی که در این دوره از لحاظ شیوه تعبیر و بیان تازه به نظر می‌رسد مرثیه‌هایی است که در وفات علی (ع) و ابوبکر و عمر و عثمان سروده شده است. چنانکه حسان بن ثابت انصاری در وفات ابوبکر می‌گوید:

إِذَا تَذَكَّرْتَ شَجْواً مِنْ أَخِي ثِقَةٍ فَاذْكُرْ أَخَاكَ بِمَا فَعَلَا

(تاریخ الادب العربی، العصر اسلامی، ص ۵۵)

اشعاری را که جزء بن ضرار برادر شماح و اَیْمَن بن خُرَیْم به ترتیب در رثای عمر و عثمان سروده‌اند خود از بهترین مرثیه‌ها به شمار می‌رود و این اشعار اگر چه در قالب رثا سروده شده است ولی شاعر در هر یک از آنها عقیده دینی و سیاسی خود

را ابراز می‌دارد و می‌خواهد در جامه مرثیه از اسلام و پیشوایان اسلامی به دفاع بپردازد و بهترین نمونه این اشعار، شعری است که ابوالاسود الدثلی آنرا در رثای علی (علیه‌السلام) سروده است:

أَلَا أَبْلِغُ مَعَاوِيَةَ بْنَ حَرْبٍ
أَفَى شَهْرِ الصِّيَامِ فَجَعْتُمُونَا
إِذَا اسْتَقْبَلَتْ وَجْهَ أَبِي حُسَيْنٍ
فَلَا قَرَّتْ عَيُونُ الشَّامِتِينَا
بِخَيْرِ النَّاسِ طُرّاً أَجْمَعِينَا
رَأَيْتَ أَلْبَدْرَ رَاقٍ النَّاطِرِينَا

(الآغانی، ج ۱۲، ص ۳۲۹)

(هان. به معاویه بن حرب برسان. "پس چشم شماتت‌کنندگان شادی مبیناد" آیا در ماه رمضان ما را به کشتن کسی که از همه مردم بهتر است داغدار کرده‌اید. هرگاه با چهره پدر حسین رویارو شوی ماه شب چهارده را بینی که بینندگان را به شگفتی می‌افکند.)

از موضوع‌های برجسته‌ای که در این دوره از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است اشعاری است که شاعران مسلمان در جنگ با ایرانیان و رومیان سروده‌اند به عبارت دیگر فتوحات مسلمان‌ها وفق تازه‌ای در شعر دوره صدر اسلام گشوده و به آن نوعی رنگ حماسه دینی داده است. در جنگ مسلمان‌ها با ایرانیان در قادسیه است که نام پهلوان اسلامی ابومحجن ثقفی بر سر زبانها می‌افتد. این پهلوان با آنکه در آغاز جنگ قادسیه در زندان بود به همسر سعد بن ابی وقاص متوسل می‌شود تا از زندان آزاد گردد و در جنگ قادسیه شرکت داشته باشد وی پس از آنکه پهلوانی‌ها و دلاوری‌ها در جنگ از خود نشان می‌دهد دوباره به زندان بر می‌گردد و می‌گوید:

لَقَدْ عَلِمْتُ ثَقِيفٌ غَيْرَ فَخْرٍ
وَأَكْثَرُهُمْ دُرُوعاً سَابِغَاتٍ
فَإِنْ أَحْبَسَ فَقَدْ عَرَفُوا بِلَائِي
بَأَنَا نَحْنُ أَكْرَمُهُمْ سُيُوفَا
وَأَصْبَرُهُمْ إِذَا كَرَّ هَوَا الْوَقُوفَا
وَإِنْ أَطْلَقَ أُجْرَعُهُمْ حُتُوفَا

(الآغانی، ج ۱۹، ص ۶)

(ثقیف بی آنکه فخر کنند می‌دانند که شمشیرهای ما از آنها باکرامت‌تر و زره‌های

کامل ما از آنها بیشتر است و ما شکیباتریم آنگاه که آنان از مقاومت و ایستادگی کراهت داشته باشند پس اگر در حبس باشم آنها می دانند که از آزمایش به خوبی بیرون آمده‌ام و اگر آزاد گردم مرگ را به آنها می چشانم)

از دیگر شاعرانی که در جنگ‌های قادسیه و مدائن به خاطر دفاع از اسلام از امتحان به خوبی برآمده عبده بن طبیب است که در اشعار خویش علت جهاد را کسب ثواب الهی دانسته است، چنانکه می گوید:

هل حَبْلُ خَوْلَةٍ بَعْدَ الْهَجْرِ مَوْصُولٌ أَمْ أَنْتَ عَنْهَا بَعِيدُ الدَّارِ مَشْفُوعٌ
حَلَّتْ خُوبِلَةٌ فِي دَارٍ مُجَاوِرَةً أَهْلَ الْمَدَائِنِ فِيهَا الدِيكُ وَالْفَيْلُ
يُقَارِعُونَ رِوُوسَ الْعُجْمِ ضَاحِيَةً مِنْهُمْ فَوَارِسٌ لَا عَزْلٌ وَلَا مَيْلُ
نَرْجُو فَوَاضِلَ رَبِّ سَيِّئِهِ حَسَنٌ وَكُلُّ خَيْرٍ لَدَيْهِ فَهُوَ مَقْبُولُ

(الآغانی، ج ۲۱، ص ۲۵)

اما زبان این اشعار از آن متانت و استحکامی که در شعر شاعران مخضرم و اسلام مشاهده می شود کاملاً متفاوت است زیرا اغلب آنها رنگ ادبیات عامیانه بخود گرفته و شاعران آنها در بسیاری از اوقات گمنام باقی مانده‌اند و شاید علت گمنامی این شاعران بدان جهت است که این اشعار در بسیاری از موارد به شاعری نسبت داده نشده است.

استفاده از معانی قرآن نه تنها در شعرای مکه و مدینه به چشم می خورد بلکه در شاعران نجد و بادیه هم دیده می شود به عبارت دیگر نزول قرآن کریم در همه سخنوران عصری که مورد مطالعه ماست تحول عظیمی و شگرفی ایجاد نموده است مثلاً صاحب مفضلیات برای عبده بن طبیب قصیده‌ای عینیه روایت می کند که شاعر درباره تقوی و نیکی به پدر و مادر کلمه‌ها و اصطلاحاتی را به کار می برد که دقیقاً همه آنها را از قرآن اقتباس کرده است:

أَوْصِيكُمْ بِتَقَى الْإِلَهِ فَإِنَّهُ يُعْطِي الرِّغَائِبَ مَنْ يَشَاءُ وَيَمْنَعُ

(مفضلیات، ج ۱، ص ۶۱)

و همین شاعر در سوگ قیس بن عاصم می‌گوید:

عَلَيْكَ سَلامُ اللَّهِ قَيْسَ بنِ عاصِمٍ وَرَحْمَتُهُ ما شاءَ أَنْ يَتَرَخَّما

(الآغانی، ج ۲۱، ص ۲۶)

بهترین نمونه از اشعاری که مفهوم چندین آیه قرآنی در آن به طور آشکار دیده

می‌شود شعری است که آنرا حُصَین بن حَمام مُرّی سروده است:

فلم يَبْقَ مِنْ ذاكَ اَلِا التُّقى و نفسٌ تُعالِجُ اَجالِها
أعوذُ بِرَبِّى مِنَ المُخزِياتِ يَوْمَ تَرى النَّفْسُ اَعمالِها
و خَفَّ المَوازِينُ بِالكافِرِينَ وَزُلزِلَتِ الارضُ زِلزالِها

(الاستيعاب، ج ۱، ص ۲۵۴)

همچنین عبدالله بن رواحه در هجو مشرکان از قرآن الهام می‌گیرد و می‌گوید:

شَهدتُ بِأَنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا و أَنَّ النّارَ مَثوى الكافِرِينا

تأثر و اقتباس مضامین قرآنی در شاعران نامدار این دوره مانند حسان بن ثابت و

کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه به وضوح دیده می‌شود مثلاً صِرمة بن ابی انس

انصاری می‌گوید:

و نَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لا شِىءَ غَیْرُهُ و أَنَّ كِتابَ اللَّهِ أَصْبَحَ هادِيا

(الاستيعاب، ج ۲، ص ۷۳۸)

نتیجه:

بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن کریم تحول عمیق و ژرفی در شعر عربی ایجاد

نمود. مهمترین موضوعی که در شعر این دوره از لحاظ شیوه تعبیر و بیان تازگی دارد

مراثی است که در وفات پیامبر (ص) و علی (ع) و ابوبکر و عمر و عثمان سروده

شده است. چنانکه اشعار ابوالاسود الدثلی در رثای علی (ع) و جزء بن ضرار برادر

شماخ و ایمن بن خُریم در رثای عمر و عثمان از بهترین مراثی به شمار می‌رود. دیگر

از موضوع‌های شعری این دوره اشعاری است که شاعران مسلمان در جنگ با

ایرانیان و رومیان سروده‌اند به عبارت دیگر فتوحات مسلمانانها افق تازه‌ای در شعر

دوره صدر اسلام گشود و به آن نوعی رنگ حماسه دینی داد. زبان اشعار دوره فتوحات از آن متانت و استحکامی که در شعر شاعران مخضرم و اسلامی مشاهده می شود کاملاً متفاوت است زیرا اغلب آنها رنگ عامیانه به خود گرفته است ایجاز و اختصار در ذکر حوادث و عدم دقت در بیان مشروح وقایع امتیاز دیگر این اشعار است.

استفاده از معانی قرآنی نه تنها در شعرای مکه و مدینه به چشم می خورد بلکه در شاعران نجد و بادیه هم دیده می شود به عبارت دیگر نزول قرآن کریم در همه سخنورانی که مورد مطالعه ماست تحول عظیم و ژرفی ایجاد نموده است. به هر حال در تمام اشعار این دوره در نزد شاعرانی که به اسلام ایمان آورده اند نوعی التزام و تعهد به اسلام و دفاع از پیامبر و مسلمانها دیده می شود.

کتابنامه:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آداب اللغة العربية و تاریخها، دکتر محمد محمدی، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ه.ش.
- ۳- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق محمد بجاوی، دارالجیل، بیروت.
- ۴- الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸ ه.ق.
- ۵- الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، چاپ داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
- ۶- تاریخ الادب العربی، تألیف دکتر شوقی ضیف، چاپ دارلمعارف، مصر، قاهره.
- ۷- دیوان اعشی، دارصادر، بیروت، ۱۹۶۰ م.
- ۸- طبقات الشعراء، محمد بن سلام جمحی، چاپخانه، بریل، لیدن، ۱۹۱۳ م.
- ۹- المفضلیات، چاپخانه مقدم، خیابان محمدعلی، مصر، ۱۹۰۵ م.